



حایگاه قرآن و عترت (۱)

سید محمد حسینی شاهرودی

آیات قرآن، متکفل هدایت بشر و ضامن سعادت و سیادت همیشگی انسان است. افراد بشر را در تمام شوون زندگی و در همه قرن‌ها و زمان‌ها رهبری می‌کند. بهترین شکل معرفی قرآن و بیان عظمت آن، در ترکیب دو آیه قرآن مجید نهفته است. آیه اول: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ»؛ این قرآن به بهترین و مهم‌ترین راه هدایت می‌کند. «اسراء، آیه ۹»
 آیه بعد دلیل این ادعا را توضیح می‌دهد.
 «عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ»؛ به شما چیزی را می‌آموزد که نمی‌توانستید بدانید.
 «بقره، آیه ۲۳۹»

در این آیه، از دانشی سخن می‌رود که در حیطه قدرت انسان نبود که به آن راه یابد. مگر قرآن چه دانشی را می‌آموزد که از حوزه آگاهی بشر خارج است؟ انسان چهار نوع رابطه دارد: با خود، با جهان، با دیگران و با خدای هستی. این رابطه‌ها نیاز به ضابطه و قانون دارد. نه غریزه، نه علم (که در محدوده تجربه‌هاست)، نه وجدان بشری، نه عقل محدود و نه حتی عرفان، این نیاز انسان را نمی‌تواند برآورده کند. قرآن که همان وحی و ارتباط با علم بی‌نهایت خداوند است، این ضوابط حاکم بر روابط را برای انسان تبیین نموده، و نور هدایت را به





زوایای تاریک بشر تابانده است. مهم‌ترین موضوع عالم، یعنی انسان را توضیح داده و اندازه، هدف، مقصد، راه و مرکب او را در این راه به زیبایی روشن نموده است؛ موضوعی که برای همه دانشمندان، فلاسفه و عرفا مجهول است. قرآن کتابی نیست که بتوان آن را در چند سطر یا چند صفحه و حتی چندین کتاب بزرگ به طور کامل معرفی کرد؛ زیرا دارای اهداف و ویژگی‌هایی خاص است. در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- قرآن، کتاب نور است: کتاب نوری که انسان را به وسیله آن از ظلمت‌ها بیرون می‌آورد، و به سوی نور خود هدایت می‌کند: «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ * يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ» همانا برای (هدایت) شما از جانب خدا نوری (عظیم) و کتابی روشنگر آمده است. * خدا هر کس را که از خشنودی او پیروی کند، بدان کتاب به راه‌های سلامت رهنمون می‌شود، و به توفیق خویش آنها را از تاریکی‌ها (ی جهل و گناه) به سوی عالم نور بیرون آورد و ایشان را به راه راست رهبری کند. (مائده، ۱۶ و ۱۵)

۲- قرآن، فرقان است: زیرا در پرتو روشنگری‌های آیات نورانی این کتاب، حق از باطل به وضوح جدا می‌شود: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» بزرگوار است کسی (خداوندی) که قرآن را بر بنده خود نازل فرمود تا ترسانندهٔ جهانیان باشد. (فرقان، ۱)

۳- قرآن کتابی است که احاطه به حقیقت و باطن آن، تنها در حیطة پاکان است: «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ * فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ * لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» که قرآن (کتابی بزرگوار و سودمند و) گرامی است. که در کتاب محفوظ (سَرِّ حَقِّ) مقام دارد؛ و جز پاکان نمی‌توانند بدان دست زنند. (واقعه، ۷۷-۷۹) رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، علی بن ابی طالب (علیه السلام) و اهل بیت عصمت و طهارت (علیه السلام) را خدا از هرگونه آلودگی منزّه و پاک کرده و ایشان که مطهرند، می‌توانند با روح و جان قرآن در ارتباط باشند. (قرآن در قرآن، آیه‌الله جوادی آملی، ص ۷۶، انتشارات اسراء)

از این رو قرآن، انسان را به دست معلمانی سپرد که امین راه و راه شناس هستند. در قرآن از آنان به «اهل الذکر» یاد می‌شود که به ائمه اطهار (علیهم السلام) تفسیر شده است و هم آنان که به تعبیر رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، ثقل اصغر می‌باشند و هرگز از قرآن که ثقل اکبر است، جدا نخواهند شد. آیا عظمتی بالاتر از این می‌توان سراغ داشت؟ اگر انسان بخواهد از ماشینی که خریده است استفاده نماید؛ به کتاب راهنما مراجعه می‌کند. قرآن کتاب راهنمای انسان است که او را نه تنها



از صدمات محفوظ می‌دارد، بلکه به رشد حقیقی می‌رساند.

جدایی ناپذیری قرآن و عترت

حدیث ثقلین، حدیثی است که در آن، پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، اهل بیت خود را همتا و همسنگ قرآن کریم معرفی کرده و با تأکید تمام، اُمت را به پیروی از ایشان سفارش فرموده است.

این حدیث به طور بسیار گسترده‌ای، در منابع و کتاب‌های معروف شیعه و اهل سنت نقل شده؛ به طوری که تردیدی در صدور این حدیث از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، باقی نمی‌ماند، و مورد اتفاق همهٔ راویان و محدثان جهان اسلام می‌باشد. بر پایهٔ بررسی‌های انجام شده، این حدیث را سی و سه نفر از اصحاب رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، نقل کرده‌اند؛ که اسامی همهٔ آنها ضبط است و این همه، غیر از احادیثی است که امام علی (علیه السلام) و سایر اهل بیت (علیهم السلام)، آن را در دوران‌های مختلف، از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل کرده‌اند.

تحقیق در زمینه تاریخ صدور و مناسبتی که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، این حدیث را بیان فرموده‌اند، نشان می‌دهد که حضرت نه تنها یک بار، بلکه در موارد متعددی بر این مسئلهٔ مهم سیاسی - اجتماعی اسلام، که سرنوشت جامعهٔ اسلامی در تمامی دوران‌ها بدان مربوط می‌شود، تأکید فرموده است؛ از جمله موارد آن در حجهٔ الوداع، روز عرفه و در مسجد خیف، همچنین در حجهٔ الوداع در غیر محل غدیر خم، و بالأخره در لحظات پایانی عمر شریفشان در حالی که اتاق حضرت آکنده از جمعیت بود، به بیان این حدیث شریف، اهتمام ورزید.

(اهل بیت در قرآن و حدیث، محمد محمدی ری شهری، ترجمه حمید رضا شیخی و حمید رضا آذیر، ج ۱، ص ۱۷۶، دارالحدیث.)

در این جا، به نقل چند روایت از منابع اهل سنت، که با تعبیر مختلف نقل شده است، می‌پردازیم:

۱- رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرموده‌اند:

"إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ ثَقَلَيْنِ، أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخِرِ، كِتَابَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، وَعَتْرَتِي أَهْلُ بَيْتِي، أَلَا إِنَّهُمْ لَن يَفْتَرِقَ حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ؛ مَنْ فِي بَيْنِ شِمَا دَوْ حَيْزِ كَرَانِمَايَه وَ پَرَارِزِش، بَه يَادْكَارِ مِي نَهْم كَه يَكِي از آن دو بزرگ‌تر از دیگری است؛ كتاب خداوند (عزوجل) كه ريسمانی كشيده شده از آسمان به زمين است، و عترت خود كه همان اهل بيت من مي‌باشند. آگاه باشيد كه

این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند، تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. (مسند احمد ابن حنبل، ج ۴، ص ۵۴، ح ۱۱۲۱، دارالفکر / ر. ک: اهل بیت در قرآن و حدیث، همان، ص





(۱۶۰-۱۷۵)

۲- احمد بن حنبل در کتاب فضایل الصحابه (فضایل الصحابه، ص ۱۵) می نویسد: «پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) هنگام بازگشت از حجّه الوداع در منطقه غدیر خم توقف نموده، و ضمن خطبه ای طولانی خطاب به مسلمانان فرمود: «إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخِرِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي أَهْلُ بَيْتِي فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونِي فِيهِمَا فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا»؛ همانا من بین شما دو امانت گرانها می گذارم؛ یکی از دیگری بزرگتر و ارزشمندتر است؛ کتاب خدا و عترت من که اهل بیت من می باشند. دقت کنید که چگونه بعد از من با آنان رفتار خواهید نمود؛ البته که آن دو از هم جدا نخواهند شد».

۳- جلال الدین سیوطی در کتاب «الدرّ المنثور» این چنین بیان می کند: «پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «أَنْتِي تَارِكٌ فِيكُمْ خَلِيفَتَيْنِ، كِتَابَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَ عِترَتِي أَهْلُ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ»؛ من میان شما دو جانشین می گذارم؛ کتاب خدا که همانند ریسمانی کشیده شده در میان آسمان و زمین است، و عترتم که اهل بیت من هستند، و این دو هرگز از یکدیگر تا روز قیامت جدا نمی شوند».(الدر المنثور، ج ۲، ص ۶۰)

۴- صحیح مسلم، کتاب فضائل الصحابه، باب فضائل علی بن ابی طالب (علیه السلام) حدیث نهم: یزید بن حیان می گوید: «من به اتفاق حصین بن سبره و عمر بن مسلم به دیدار زید بن ارقم رفتیم؛ زید ضمن سخنانی حدیث پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را در کنار گودال خم به مسلمانان چنین نقل کرد: «الْأَيْهَا النَّاسُ فَإِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ يُوشِكُ أَنْ يَأْتِيَ رَسُولُ رَبِّي فَأُجِيبُ. وَ أَنَا تَارِكٌ فِيكُمْ ثَقَلَيْنِ: أَوْلَهُمَا كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَى وَ النُّورُ. فَخُذُوا بِكِتَابِ اللَّهِ وَ اسْتَمْسِكُوا بِهِ، فَحَثَّ عَلَيَّ كِتَابُ اللَّهِ وَ رَغَبَ فِيهِ ثُمَّ قَالَ: وَ أَهْلُ بَيْتِي. أَذْكُرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي، أَذْكُرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي»

ای مردم! من هم مثل شما بشر می باشم؛ طولی نمی کشد که رسول پروردگار می آید و من دعوت او را اجابت می کنم. اینک پیش از آن که دعوت حق را اجابت کنم، دو اثر گرانها در میان شما باقی می گذارم: یکی کتاب خدا که وسیله هدایت شماست، و نوری است که جلوی راه شما را روشن می سازد؛ کتاب خدا را بگیرید و آن را دستاویز نجات خویش قرار بدهید. رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) تا آنجا که لازم بود، مردم را به فراگیری قرآن کریم و عمل به دستورهایی آن تشویق کرد و آن گاه فرمود: «یکی دیگر از آن دو اثر گرانبار و گرانها، اهل بیت من هستند، خدا را! از آنها غفلت نکنید؛ خدا را! شما آنها را فراموش ننمایید».



از مجموع احادیث ثقلین استفاده می‌شود:

۱- قرآن و عترت، عصاره نبوت و تداوم بخش رسالت هستند، که هدایت بشر را تا قیامت تضمین می‌کنند و عدم حضور این دو وزنه‌ی متحد در جامعه اسلامی، مایه گسستن رشته نبوت و دائمی نبودن رسالت است.

۲- عدم جدایی ثقلین، به معنای عدم انفکاک امامت و وحی قرآنی از یکدیگر است. امامان، مبین و مفسر قرآن کریم و شارح جزئیات و تفصیلات، و نحوه اجرای کلیات آن هستند.

۳- بر اساس حدیث شریف ثقلین، تمسک به هر یک از قرآن و عترت، بدون تمسک به دیگری، نه تنها مایه هدایت بشر نیست، بلکه ضلالت و گمراهی به دنبال دارد. در مدار تبیین دین کامل، هر دو باید با هم باشند.

۴- از جدایی‌ناپذیر بودن ثقلین، بقای امام معصوم (علیهم السلام) تا قیامت، عصمت اهل بیت (علیهم السلام)، علم امام به معارف و حقایق قرآنی، و مصونیت قرآن از گزند تحریف، استفاده می‌شود.

(ر.ک: تفسیر تنسیم، آیت الله جوادی آملی، ج ۱، ص ۱۴۹، مرکز نشر اسرار / پیام قرآن، آیت الله مکارم شیرازی و دیگران، ج ۹، ص ۷۹-۶۲، انتشارات نسل جوان.)

بنابراین اهل بیت (علیهم السلام)، ترجمان و مفسران حقیقی و راستین قرآنند، و بر اساس روایات فراوانی که در منابع روایی موجود است، منظور از راسخان در علم، که به علم تفسیر و تأویل آگاهی دارند، و از قدرت استخراج معارف قرآن و تبیین آن‌ها برخوردارند، اهل بیت (علیهم السلام) می‌باشند: وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّسُخُونَ فِي الْعِلْمِ... در صورتی که تأویل آن را کسی جز خدا و اهل دانش ندانند. (آل عمران، ۷)

اهل بیت (علیهم السلام)، یگانه راه دست یابی به معارف ژرف قرآن کریم هستند، و قرآن کریم کتاب هدایت و نجات است؛ و در نتیجه تمسک به قرآن جدای از تمسک به اهل بیت (علیهم السلام) و پیروی از آنان نیست، و پیروی از آنان نیز، عین پیروی از تعالیم قرآن است؛ چنانکه در حدیث مورد بحث ثقلین آمده است: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا، كِتَابِ اللَّهِ وَ عَتْرَتِي، أَهْلُ بَيْتِي» این حدیث با الفاظ گوناگونی و شبیه به هم نقل شده که عبارت یاد شده در برخی از آنها آمده است. (ر.ک: پیام قرآن، آیه الله مکارم شیرازی و دیگران، ج ۹، ص ۷۹-۶۲، دارالکتب الاسلامیه،

تهران، ۱۳۷۷ ش.)

